

# آموزش احکام، ۱۰۰ درصد تضمینی در ۱۴ جلد!

آنسیه موسویان

عنوان کتاب: مجموعه گل‌های باغ آسمان (۱۴ جلد)

(مثل کبوتر مثل قو، کلاغ ناقلا، نقاشی پرمخاطره، گل سرخ کعبه، تسبیح سبز، حبه انگور، روز پرستاره، گوشواره آسمان، شام و شادی، چادر آسمانی، آش نذری، دو شاخه گل، پارچه عمه پری، چوپان دروغگو)

شاعر: سید محمد مهاجرانی

تصویرگر: گروه تصویرگران

ناشر: نشر معروف

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۷

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۲۴ صفحه

بها: ۸۰۰ تومان

تجاری، قطعاً خیر است و بی‌شک در صد انجام یک اقدام فرهنگی تربیتی ارزشمند بوده‌اند. با این حال، هیچ‌یک از این دلایل، آن‌ها را از نقد و نظر و اصلاح کارشان بی‌نیاز نخواهد کرد؛ چرا که این امر، به دلیل ظرافت و حساسیت موضوع، توجه و تأمل مضاعفی را می‌طلبد.

اولاً از شاعری که قصد سرودن یک مجموعه ۱۴ جلدی شعر برای کودکان دارد، حداقل انتظار می‌رود که به معیارهای اولیه و اصول نخستین شعر آگاهی و شناخت داشته باشد. ثانیاً از آن‌جا که قصد آموزش مسائل دینی را به مخاطب دارد، باید خود نسبت به مسائلی که قصد آموزش آن را دارد، اشراف و تسلط کامل و کافی داشته باشد؛ چرا که این امر از حساسیت بالایی برخوردار است و کوچک‌ترین خطا و اشتباهی در امر آموزش، نتایج جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد.

در شعر کودک نیز همانند شعر بزرگسال، اولین نکته برخورداری از جوهره شعری است و رعایت سایر مسایل در مراحل بعدی قرار می‌گیرد. در این مجموعه ۱۴ جلدی، تعداد شعرها و حتی ابیاتی که از رگه‌های قوی شعری برخوردارند، و هم‌زمان نقش خود را در آموزش نیز به خوبی ایفا کرده‌اند، بسیار اندک است؛ شاید آن‌قدر اندک که گاه در میان ابیات ضعیف و سروده‌های سُست و کم‌ارزش به لحاظ ادبی، گم می‌شوند. کم‌ترین توقع از یک شاعر کودک و نوجوان، این

بدون شک تمام دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت و اولیای تربیتی، بر تأثیر بی‌چون و چرای شعر و نظم و نقش آن در آموزش مسایل گوناگون به کودکان، اتفاق نظر دارند. کودک از همان سنین آغاز کودکی، با شعر و موسیقی احساس انس و قربت دارد. او از جملات موزون لذت می‌برد و در بازی‌های کودکانه با همسالانش، از بازی‌های کلامی مثل قافیه‌بازی سود می‌جوید. کودک هم‌چنین داستان‌های منظوم را با علاقه بیش‌تری می‌خواند و به خاطر می‌سپارد. همین امر، سبب شده است که بسیاری از شاعران و ناشران، به فکر پدید آوردن آثاری منظوم با رویکرد آموزش مباحث مختلف برای این طیف بیفتند.

این روزها بازار چاپ و نشر، از کتاب‌هایی که به آموزش علائم رانندگی و مسایل بهداشتی، آموزش رنگ‌ها، اعداد و اشکال و... می‌پردازند، لبریز است. در این میان، آموزش مباحث دینی، احکام اسلامی و مفاهیم مذهبی به کودکان نیز از مسائلی است که توجه بسیاری از شاعران را به خود جلب کرده. مجموعه ۱۴ جلدی آموزش احکام و مسائل اسلامی که توسط نشر «معروف» وارد بازار شده و سروده سیدمحمد مهاجرانی است، از جمله این کتاب‌های آموزشی به شمار می‌رود.

نیت ناشران و پدیدآورندگان این مجموع، جدا از اهداف



است که حداقل چارچوب اصلی شعر را بشناسد و وزن و قافیه را رعایت کند. متأسفانه بسیاری از شعرهای این مجموعه، حتی در چارچوب اولیه شعری و وزن و قافیه هم مشکل دارند. شاید بهتر باشد مسائل و مشکلات این کتابها را در چند بخش تقسیم‌بندی کنیم:

### الف) اشکالات شعری

در بسیاری ابیات، وزن شعر به هم ریخته و سکنه‌های وزنی، سیر طبیعی زبان را دچار دست‌انداز و مشکل کرده است:

نقش‌های فرش کوچه  
برگ‌های خشک و زرد بود  
(کتاب شام و شادی،  
ص ۲۰)

هم‌چنین، استفاده شاعر از قافیه‌های بسیار ضعیف در بسیاری از ابیات، از ارزش شعری آن کاسته است؛ به عنوان مثال، نمونه‌های زیر را ببینید:

داد و هوار بهرام  
سوختم سوختم آخ آخ آخ  
داد و هوار شهرام  
سوختم سوختم واخ واخ واخ!  
(کتاب چو پان  
دروغگو، ص ۶)

«آخ آخ آخ» و «واخ واخ واخ» عجب قافیه بدیعی!!  
عمه مرا دید و گفت:

به‌به امید خان!  
باد آمد و گل آورد  
خوش آمدی امید جان!  
(کتاب دو شاخه  
گل، ص ۱۴)

خورشید خانم غروب کرد  
نزدیک مغرب شده  
ستاره‌ها آمدند  
هوا چه جالب شده!

(کتاب گل سرخ  
کعبه، ص ۱۳)

به جز این قافیه‌های ضعیف و کم‌جان، گاه کلاً شاعر قافیه را از یاد می‌برد و یا قوافی کاملاً غلط در شعر می‌آورد:

هنگام خواندن نماز  
باید رو به قبله باشیم  
به سمت خانه خدا  
یعنی همان کعبه باشیم

(کتاب تسبیح سبز،  
ص ۱۸)

تو شهری از شهرهای دور  
پایین پای آسمان  
گوشه شهر خانه دارد  
به پیرمرد مهربان

(کتاب تسبیح سبز،  
ص ۱۶)

در بند بالا «ر» در کلمه «شهر» از وزن خارج است.

کعبه تو شهر مکه است  
میان مسجدالحرام  
همان جایی که دور آن  
چرخ می‌زنند از صبح و شام  
(کتاب تسبیح سبز،  
ص ۱۸)

«خ» در کلمه «چرخ» و «د» در «می‌زنند»، خارج از وزن است.

حالا شمرده و قشنگ  
سه بار سبحان‌الله بگو  
نام خدا مثل گل است  
همیشه این گل را ببو  
(کتاب تسبیح سبز،  
ص ۱۰)

در مصرع دوم بیت اول، کلمه «سبحان‌الله» وزن شعر را به هم ریخته است و خوب خوانده نمی‌شود. در بسیاری از ابیات، شاعر برای پُر کردن وزن، ناگزیر از تکرار بی‌مورد کلمات بوده است که این تکرارها کاملاً حشو به نظر می‌رسند:

تلق تولوق تلق تولوق  
خبر خبر سفر سفر  
به شهر مشهد می‌رویم  
سریع سریع بالا بپر  
(کتاب روز پرستار،  
ص ۱۵)

برگ برگ برگ پاییز بود  
سرد سرد سرد چه سرد بود





قنوت دومین رکعت  
پس از رکوع است همیشه  
(کتاب روز پرستاره،  
ص ۱۶)  
تو گوشم است صدای او  
چه خالی مانده جای او  
رفت و تا یک سال نمی آد  
گریه کنم برای او

(کتاب گوشواره

آسمان، ص ۸)

گاه با اشکالات فاحش زبانی و دستوری برمی خوریم که  
شاعر در تنگنای وزن و قافیه، دچار آن شده است:

گل بی بی گفت: دخترم  
تو هم باشو سلام کن  
به مهدی فاطمه (عج)  
همیشه احترام کن

(کتاب دو شاخه

گل، ص ۲۲)

به جای «احترام بگذار»، شاعر لفظ احترام کن را آورده  
که غلط است.

گفتم مامان روزه ای است  
وقت خوراکی که نیست  
خنديد و گفت: پسر جان  
مسافريم ما الان

(کتاب گوشواره

آسمان، ص ۲۰)

به جای «مامان روزه ام»، شاعر گفته است «مامان  
روزه ای است»!

اما نامحرمم کیه؟  
شوهر عمه و خاله  
پسرعمو، پسرعمه  
پسر دایی، پسرخاله

(کتاب چادر

آسمانی، ص ۱۹)

در این بند، علاوه بر نداشتن قافیه، کلمه «عمه» هم به  
ضرورت وزن، باید بدون تشدید خوانده شود.

## ب) اشکالات زبانی

کودکان گروه «ب» و «ج» که مخاطب شعرهای این  
مجموعه هستند، در مراحل آموختن زبان معیار و رسمی در  
دبستان قرار دارند. به همین دلیل، در کتابهایی که برای  
این گروه نوشته می شوند، شاعر و یا نویسنده باید اصول و  
معیارهای زبان رسمی را کاملاً رعایت کند. این سخن بدان  
معنا نیست که شعر به زبان شکسته و محاوره نداشته باشیم،  
بلکه منظور حفظ یکدستی زبان و شیوه صحیح جمله بندی  
و چینش کلمات، به لحاظ صحت دستور زبان و... است. در  
این سروده ها، شاعر معجونی از زبان رسمی و محاوره ای را  
مورد استفاده قرار داده است که به راستی کودک را گیج و  
سردرگم خواهد کرد.

می خواد که با عصایش  
رد شود از خیابان  
ماشین های رنگارنگ  
رد می شوند شتابان

(کتاب دو شاخه

گل، ص ۶)

قنوت اولین رکعت

پیش از رکوع خوانده می شه



همین طور در این بند:

مامان جان و عمه جهان  
آش می‌پزند با دیگ ما  
امروز روز شهادت است  
شهادت امام رضا(ع)

(کتاب آش نذری،

ص ۱۵)

به جای «آش می‌پزند تو دیگ ما»، شاعر آورده است  
«آش می‌پزند با دیگ ما». معلوم است که آش را در دیگ  
می‌پزند نه با دیگ!

یا در این بند:

سمیه هم چشم گذاشت  
زود دویدیم تو کوچه  
او مشغول جست‌وجو  
ما مشغول کلوچه

(کتاب آش نذری،

ص ۱۶)

که منظور شاعر در مصراع آخر، «مشغول خوردن  
کلوچه» است.

در شعر «چوپان دروغ‌گو» هم می‌خوانیم:

نزدیک ظهر صدا کشید!  
آهای آهای کمک کمک!  
گرگ آمده گرگ آمده  
گرگ سیاه بی‌نمک!

(کتاب چوپان

دروغ‌گو، ص ۵)

که احتمالاً منظور شاعر «صدا زد» است؛ چون فعلی  
تحت عنوان صدا کشیدن در زبان فارسی نداریم!

در بسیاری از اشعار نیز شاعر به دام کلی‌گویی‌های  
شاعرانه افتاده است. آوردن صفت‌های کلی مثل جالب،  
باشکوه، شاعرزگی و کلیشه‌گویی مشکلی است که در  
بسیاری از ابیات به چشم می‌خورد:

روسری قشنگ او  
بلند و پرتغالی است  
حجاب زن داداش من  
چه جالب است چه عالی است!

(کتاب چادر آسمانی،

ص ۱۶)

(در متن کتاب، پرتغالی با غ نوشته شده است!)

آوردن صفت‌های کلیشه‌ای و کلی مثل مهربان، خوب،  
شاد و شادمان در شعر زیر، آن را به نظمی سُست و ضعیف  
تبدیل کرده است:

مامان جان و مامان بزرگ  
با خواهر مهربانم

دختر خوب خواهرم  
با دختر داداش‌جانم  
عمه شاد شادمان  
خاله خوب و مهربان  
عمه و خاله بابا  
عمه و خاله مامان

(کتاب چادر آسمانی،

ص ۱۴)

هم‌چنین، بیان مستقیم و شاعرزگی در این ابیات که به

عنوان نمونه نقل می‌شود:

سلام که هست سلامتی  
دوستی را محکم می‌کند  
شور و نشاط می‌آورد  
غصه‌ها را کم می‌کند

(کتاب چادر آسمانی،

ص ۵)

هر که رسید و گفت و سلام  
باید جوابش بدهیم  
جواب سلام را بهتر است  
ما آب و تابش بدهیم!

(کتاب چادر آسمانی،

ص ۶)

پیامبر عزیز ما  
گفته برای مرد و زن  
همیشه لازم است شما  
یاد بگیرید دانش و فن

(کتاب آش نذری،

ص ۵)

### ج) اشکالات محتوایی

آموزش مباحث دینی، از ظرافت و حساسیت خاصی  
برخوردار است و هیچ‌گونه خطایی در آموزش این مسایل،  
قابل اغماض نیست. شاعر در این مجموعه، تلاش کرده  
است بسیاری از احکام و مفاهیم اسلامی را به مخاطب





نماز اصلی یا قضاست؟  
(کتاب تسبیح سبز،  
ص ۴)

کودک مفهوم نماز شکسته، اصلی و قضا را نمی‌داند و شاعر هم هیچ‌گونه اشاره‌ای در هیچ‌یک از شعرها به آن نمی‌کند.

در شعری با عنوان «کله‌طاووسی»، روزه کله‌گنجشکی را آموزش می‌دهد و به دو اصطلاح جدید و عجیب و غریب «کله‌خروسی» و «کله‌طاووسی» اشاره می‌کند که طبیعتاً کودک را دچار اشتباه و گیج و سرگردان می‌کند:

سال بعد بگیر  
کله‌خروسی  
دو سال دیگر  
کله‌طاووسی!

(کتاب گوشواره

آسمان، ص ۱۱)

در شعر دیگری قصه دارد زشتی «غیبت» را به مخاطب گوشزد کند. در حالی که دو کودک به نام‌های شهرام و بهرام با یکدیگر پیچ‌پیچ می‌کنند (معلوم نیست غیبت است یا چیز دیگر)، بدون این‌که مفهوم غیبت و ضرر آن را به مخاطب نشان دهد، این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند:

دو زنبور طلایی  
پر می‌زنند ویز ویز ویز  
بهرام و شهرام را زود  
نیش می‌زنند چیز چیز چیز

خنده‌کنان می‌گویند  
نیش‌ها نوش‌چانتان  
تا که غیبت نکنید

آموزش دهد. به عنوان مثال در بحث نماز، نمازهای یومیه، نماز جمعه و جماعت، نماز عید فطر و نماز آیات را آموزش می‌دهد. در احکام روزه، مسائلی که باعث ابطال روزه می‌شود. در بحث حجاب، محرم و نامحرم و خلاصه ذکر نام جانوران حلال گوشت و حرام گوشت، نوشیدنی‌های حلال و حرام و نیز پرهیز از دروغ‌گویی و غیبت و رعایت امانت‌داری و... را آموزش می‌دهد.

نکته‌ای که در این زمینه باید به آن اشاره کرد، این است که بسیاری از این آموزش‌ها کامل و صحیح نیستند؛ گویی شاعر شتاب قابل ملاحظه‌ای داشته و به سرعت به ذکر یاد و نامی از برخی احکام پرداخته و از کنارش گذشته است.

در بحث نماز جمعه، تنها به این نکته اشاره می‌کند که «نماز جمعه دو خطبه دارد، دو رکعت است و خیلی قشنگ و راحت است! سپس قنوت و زمان خواندن آن را می‌گوید.» در حالی که کودک فلسفه نماز جمعه، معنای خطبه و آشنایی با امام جمعه، اهداف و ضرورت‌های برگزاری نماز جمعه و... را نمی‌داند. هم‌چنین، در شعر «روز پُر ستاره» که درباره «نماز آیات» است، تنها به زمان و دلیل خواندن نماز آیات اشاره کرده و کیفیت قرائت آن را فراموش کرده است:

با خنده می‌گوید پدر  
وقتی گرفت خورشید و ماه  
نماز آیات می‌خوانیم  
چه توی شهر چه بین راه!  
(کتاب روز پُر ستاره،

ص ۲۰)

در شعر دیگری درباره «نیت نماز» سخن می‌گوید:

نماز صبح یا ظهر یا عصر  
نماز مغرب یا عشا است  
شکسته است یا کامل است



پشت سر این و آن!  
( کتاب چو پان )  
دروغ گو، ص ۶)

در شعر «بی بی و نی نی» می خوانیم:  
وسط بازی  
یک دفعه نی نی  
پی پی می کند  
رو پای بی بی  
\*

راستش من که هر چه به مغزم فشار آوردم و فکر کردم،  
نفهمیدم منظور شاعر از «بیست و هفت گل قشنگ» کدام  
ذکر نماز است!

شاعر که خود در یک جلد از این مجموعه، به آموزش  
فضیلت‌های اخلاقی، مثل راست‌گویی، امانت‌داری و  
دُرست‌کاری می‌پردازد. در یکی از شعرها ناخودآگاه از زبان  
یکی از شخصیت‌های شعر، دوستش را مسخره می‌کند و به  
او لقب ناپسند «ناخن‌سیخی» می‌دهد که با آموزش‌های این  
کتاب منافات داشته و نقض غرض است:

خنده‌کنان می‌چرخند  
شادی و نادی حالا  
شالی ناخن‌سیخی  
زُل زده به بچه‌ها!

(کتاب چوپان

دروغ گو، ص ۱)

در تعدادی از شعرها هم شاعر فقط به ردیف کردن و  
چیدن اسامی در کنار هم اکتفا کرده که جز جملاتی موزون  
و مقفی (که آن هم در بسیاری موارد رعایت نشده)، هیچ  
نیستند. به راستی، نام بردن و ردیف کردن اسم حیوانات  
حلال گوشت و حرام گوشت در شعر، بی‌هیچ هنر شاعرانه و  
ارزش ادبی، چه ضرورتی دارد؟

... اما چَرندۀ حلال  
گوزن و گاو و گوساله  
آهو و گوسفند و شتر  
بره و میش و بزغاله

اما پَرندۀ حلال  
سار و خروس و کبکِ ناز  
کبوتر و بوقلمون  
قُمَری و مرغ، اردک و غاز!

(کتاب شام و شادی، ص ۶)

استفاده شاعر از شخصیت‌های مختلف که در شعرها  
حضور دارند و حوادث حول محور روابط و گفت‌وگوهای  
آن‌ها می‌چرخد نیز جای تأمل دارد. به عنوان مثال، در

بی بی با خنده  
می‌گه چی کردی؟  
رو چادر من  
باز پی پی کردی؟  
\*

عیبی ندارد  
گل انارم  
من توی بقیچه  
باز چادر دارم!

(کتاب گل سرخ

کعبه، ص ۷)

مشخص نیست که بالاخره «چادر بی بی» آلوده شده یا  
پای او؟ و کدام یک باید پاک شود؟ چرا که اگر آلودگی به پای  
بی بی هم رسیده باشد، قاعدتاً باید شسته شود و تنها عوض  
کردن چادر کافی نیست.

در جای دیگری شاعر «اذان و اقامه» را به مخاطب یاد  
می‌دهد. او می‌گوید:

هجده گل یاس  
نقش اذان است  
هفده تا سنبل  
دنبال آن است

(کتاب گل سرخ

کعبه، ص ۱۴)

کودک از این بند، تنها معنای ظاهری سنبل و یاس را  
می‌فهمد؛ در حالی که منظور شاعر از یاس و سنبل، ذکرهای  
الله اکبر و لاله الا الله و... بوده است.

برخی ابیات هم کاملاً بی‌معنی است و یا شبیه چیستان و  
معما شده‌اند؛ معماهایی که بعید به نظر می‌رسد کودک گروه  
سنی «ب» و «ج» بتواند پاسخ آن‌ها را به تنهایی کشف کند:

پنج تا نماز در شب و روز  
با بیست و هفت گل قشنگ  
خانه ما را می‌کند

خوش‌عطر و بو خوش آب و رنگ

(کتاب تسبیح

سبز، ص ۱۶)





بسیاری از شعرها با شخصیتی با نام «نی‌نی» مواجه هستیم. نی‌نی که در زبان محاوره به نوزاد و بچه خیلی کوچک اطلاق می‌شود، ظاهراً در این کتاب‌ها صاحب شخصیتی فراتر و متفاوت است. این نی‌نی هم روی چادر بی‌بی، خراب‌کاری می‌کند! (یعنی این قدر کوچک است) هم در جای دیگر نماز می‌خواند و برای بی‌بی قصه می‌گوید و شعر می‌خواند! گاهی گفت‌وگو میان این شخصیت‌ها، به طنز بیش‌تر شباهت دارد!

ابیاتی را می‌خوانیم که در شأن یک کار مذهبی با فضای معنوی این چنینی نیست:

می‌خندند های

بی‌بی و نی‌نی

ها ها ها ها ها

هی هی هی هی هی!

(کتاب حبه‌انگور، ص ۱۳)

نکته آخر این که ای کاش شاعر این مجموعه‌ها، به جای تولید انبوه شعر برای مخاطب، با این همه اشکالات صوری و محتوایی، دست به انتخاب و ویرایش می‌زد و بهترین و زیباترین سروده‌هایش را در یک مجموعه گرد می‌آورد. چه ضرورتی دارد که کودک گروه سنی «ب» و «ج»، ناگهان با حجم وسیعی از این همه احکام دینی و مباحث مذهبی مواجه شود؟ مباحثی که بدون شک با خواندن این شعرها به تنهایی، آن‌ها را نخواهد آموخت و حتماً باید پدر و مادر و معلمی در کنار او باشد تا مفهوم برخی شعرها را مجدداً برایش توضیح دهد و به زبان ساده بیان کند.

\* اشکالات شعری و محتوایی در اغلب سروده‌های این مجموعه به

چشم می‌خورد که برای پرهیز از اطالۀ کلام، از اشاره به اغلب آن‌ها صرف نظر و تنها به ذکر چند نمونه در هر مورد بسنده کرده‌ایم.